

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ظلم‌ستیزی در سیره حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليه

منبر در دبیرستان یاران خمینی

فاطمیه دوم ۱۴۰۲



## چکیده سخنرانی شب اول:

### ظلم چیست؟ مبانی اندیشه ناب فاطمی در شناخت حقیقت ظلم

در نظام اندیشه و عملی اسلام، ظلم مقابل حق قرار دارد، زیرا عدالت به معنای اقامه حق است، به این دلیل ظلم به معنای به مقابله حق آمدن است.

از حیث تاریخی ما با دو اسلام مواجهه داریم: اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام سقیفه‌ای و جاهلی! یکی حق است و هدف آن اقامه عدالت و معنویت اسلامی است و دیگری باطل و ستم است. ملاک اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم برپایه دین خدا بر روی زمین است، و محور آن امامت و ولایت است که باید نقطه مرکزی دایره اسلام باشد و همه سطوح و خطوط اسلامی به آن باز گردد. حضرت صدیقه طاهره در خطبه فدکیه می‌فرمایند:

«وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ»

«و اطاعت ما اهل بیت را واجب کرد زیرا موجب نظم شریعت و ملت اسلام است.»  
یعنی آن‌که نظام حق را حفظ می‌کند و تداوم می‌بخشد، نظام امامت و ولایت است.

«وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ»

«و امامت ما را محوری برای جلوگیری از تفرقه قرار داد.»

عرض کردم امامت نقطه مرکزی وحدت و حرکت جامعه اسلامی به سوی حق است و با آن در چنددستگی و تشکیل نظام سلطنتی و استثمار انسان‌ها مقابله می‌شود.  
و وقتی خود را معرفی می‌فرماید، می‌گوید:

«يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ، اِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةٌ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ»

«ای مردم بدانید من فاطمه ام و پدرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. چرا خود را معرفی می‌فرماید؟  
در جمله بعدی مشخص می‌شود:

«أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَاءً وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَطًّا وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا»

«آنچه می‌گویم آن‌هم نه یک‌بار بلکه تکرار می‌کنم و هی چگاه در گفتارم اشتباه ندارم و کارهایی که انجام می‌دهم بر خلاف حق نیست.»

بحث بنده روی این فراز است، عمل آن حضرت خلاف حق یعنی ظالمانه نیست.

حضرت در ادامه اشاره می‌کنند که گروهی منافقانه به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند و طمع به دوران پس از پیامبر داشتند و به این دلیل با شهادت حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نفاق‌ها رو آمد و سقیفه برپا شد و حق به کناری نهاده شد و اسلام ناب به اسلام سقیفه‌ای مبدل گردید. و این همان حکومت و ولایت شیطان و طاغوت است که خدای تعالی در قرآن مسلمانان را از آن برحذر می‌دارد. بنابراین مسلمانان گرفتار فتنه‌ای بزرگ شدند:

«أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا»

«بدانید با سقیفه در فتنه سقوط کردید»

زیرا از اسلام ناب منحرف شدید و به جاهلیت پیش از اسلام بازگشتید و این عین کفر است:

«وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»

ملاحظه بفرمایید که حضرت صدیقه طاهره چگونه قرآن را تفسیر فرمودند. حقیقت سقیفه، کفر است. و اسلام سقیفه‌ای خلاف قرآن است و نتیجه آن ستم است.

«بُئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»

باز استناد به قرآن کریم: «چه بد است برای ستمکاران، که به جای اسلام ناب، اسلام سقیفه‌ای را اختیار کردید» چه زیبا و عمیق حقیقت اسلام سقیفه‌ای را بیان کردند، اولاً فتنه است و ثانیاً ستم. زیرا عدول از حق است. پس هر جا از حق عدول کردیم اولاً گرفتار فتنه می‌شویم و ثانیاً ستمکار هستیم. باز ادامه می‌دهند:

«فَاعْيَنَ اللَّهُ مَا تَفْعَلُونَ»

شما که ستم کردید و شما که با ستم همراهی کردید، «پس بدانید، عمل شما در دیدگاه خدا متعال است» و خدا از شما غافل نیست:

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

«و ستمکاران بزودی می‌فهمند که چه عاقبتی دارند».

استفاده دقیق و عمیق از قرآن کریم در تطبیق به موقعیت پیش آمده.

باز خودشان را معرفی می‌کنند:

«وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ»

«و من دختر پیامبر شما هستم که برای انذار شما از عذاب شدید، آمده بود.»

یعنی خطبه من به مطلب مهمی توجه می‌دهد، و آن ادامه انذاری که پدرم داشت و آن بیم از ستمکاری است.

«فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ»

«پس هر کاری می‌خواهید بکنید» یعنی به کارهای ناروای خود عمل کنید و از عاقبت کار خود نترسید!» و «ما هم به وظیفه شرعی و دینی خودم عمل می‌کنیم.» نمی‌فرماید: «آنا» «من» بلکه می‌فرماید: «آنا»؛ یعنی ما حق طلبان هم به وظیفه الهی خود عمل می‌کنیم و برای برپایی حق ساکت نمی‌نشینیم.

«وَانتظروا انا منتظرون»

«و شما منتظر باشید ما هم منتظر می‌مانیم»؛ تا نتیجه عمل شما و ما یعنی ستمکاری شما و حق‌مداری ما مشخص شود، این یعنی اولاً نوید به این که حق در نهایت پیروز است، زیرا چنانچه امیرالمومنین سلام الله علیه می‌فرماید:

«لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ وَ لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ»

«حق دولتی دائمی دارد و باطل جولانی مقطعی می‌دهد.» یعنی نوید به ظهور و ایام حکومت نهایی و جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی شریف که انتظار آن از همان سقیفه آغاز شد. ثانیاً قیامت معیار حق و باطل است و آن‌جا مشخص می‌شود، نتیجه عمل شما و ما چیست. اشاره‌ای به مبارزات مرحوم آیت الله دستغیب شهید محراب داشته باشیم.

\*\*\*



## چکیده سخنرانی شب دوم:

### سیره فاطمی در مبارزه با ظلم

گفتیم که حقیقت اسلام، بر محور حق بنا شده است و هدف آن برپایی و پیاده‌سازی حق و عدالت در جامعه است تا جامعه توحیدی - آن‌گونه که خدا تعالی می‌پسندد - در جهان تحقق یابد و مسلمانان نیز موظف به اقامه حق و عدالت هستند و دین خدا نقشه الهی است که با آن مسیر تحقق و اقامه حق و عدالت مشخص شده است و ما باید دین خدا یعنی اسلام ناب را روی زمین پیاده کنیم.

اما اسلام ناب بیان حق در جامعه بشری است و از ابتدای با دو پدیده خاص مواجه بوده است: نخست: پدیده شرک و کفر؛ یعنی شرک صنایع قریش و مکه و کفر یهود. اولی در مکه و مدینه و دومی در مدینه. این دو مصداق بارز ظلم و انحراف از حق بودند. اما اسلام توانست از سد هر دو بگذرد:

«الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ» [مائده: ۳]

مبارزه با ستم و ستم‌ستیزی حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها در این دوره، همراهی کامل با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین سلام الله علیه است. ما فقط به دو مطلب اشاره می‌کنیم. زیرا مجال تفصیل نیست.

#### اول: ام اییها

«أمّ اییها» (مادر پدر خودش) کنیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است که طبق روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، دخترشان دادند. را ام اییها می‌خوانده است. [کشف الغمه، منشورات الرضی، ج ۱، ص ۴۳۸؛ بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۹] یعنی ریشه‌ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سلم - یعنی پدر خودش - را در اقامه حق پشتیبانی می‌کرد، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بود. این نشان از حمایت‌های بی‌دریغ حضرت زهراء سلام الله علیها دارد که همانند مادر نسبت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل می‌کرد، و به‌طور کامل آن حضرت را در پیاده‌سازی اسلام ناب و حق و عدالت و مبارزه با فساد و ستم قریش و یهود پشتیبانی می‌کرد. این به معنای حضور در جنگ‌ها و درگیری‌ها و مشکلات و سختی‌های بی‌شماری بود که پیامبر خدا صلی الله علیه السلام در طول رسالت درگیر آن‌ها بودند، که خودشان فرمودند: هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد. حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها در این صحنه‌ها حضوری پررنگ داشتند. یک نمونه آن که قرآن نیز به آن تذکر داده است، حضور در مباحله است.

دوم: دو رکن امیرالمومنین سلام الله علیه

از سوی دیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمومنین سلام الله علیه می‌فرمایند: دو رکن داری! رکن یعنی تکیه‌گاه. امیرالمومنین علیه السلام که خودش رکن اصلی اسلام در مکه و بعد در حکومت اسلامی و مدینه نبوی بودند، بر دو تکیه‌گاه تکیه زده بودند. اما این دو تکیه‌گاه کدام هستند؟

### رکن نخست: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت می‌رسند، امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: این رکن اول من بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند و این رکن با شهادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرو ریخت. پس نخستین تکیه‌گاه امیرالمومنین سلام الله علیه در عمل سیاسی و اجتماعی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود.

### رکن دوم: صدیقه طاهره سلام الله علیها

و وقتی صدیقه طاهره سلام الله علیها به شهادت رسیدند، امیرالمومنین سلام الله علیه فرمودند: این رکن دوم من بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند.<sup>۱</sup> و آن هم فرو ریخت و علی علیه السلام تنها شد و این اوج مظلومیت امیرالمومنین سلام الله علیه بود.

این روایت نشان می‌دهد که حضور حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها کنار امیرالمومنین علیه السلام و در مبارزات حق‌طلبان و سخت‌ایشان همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کنار آن حضرت است و

---

<sup>۱</sup> جابر بن عبدالله چنین روایت می‌کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود:

«سلام علیک یا ابا الریحانین، اوصیک بریحاتنی من الدنیا من قبل ان ینهد رکتاک، و الله خلیفتی علیک. فلما مات النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال (علی): هذا احد الرکنین الذین قال رسول الله. فلما ماتت فاطمه قال: هذا الرکن الثانی الذی قال رسول الله؛ (سلام بر تو، ای پدر دو گل خوشبوی من، یا علی! محافظت آن دو را به تو سفارش می‌کنم قبل از آنکه هر دو رکن تو از بین بروند، تو را به خدا می‌سپارم که او نگهدارنده ی توست.

(جابر بن عبدالله روایت را چنین ادامه می‌دهد): پس از رحلت پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: این بود یکی از دو رکنی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود (و اینک فرو ریخت)؛ و هنگامی که فاطمه (علیها السلام) چشم از جهان فرو بست، علی (علیه السلام) فرمود: این بود همان رکن دومی که رسول خدا فرمود و امروز از دست دادم).

این حدیث را عده‌ای از علما در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند؛ از جمله: ابونعیم در حلیه الاولیاء، ابن عساکر در تاریخ شام، محب‌الدین طبری در ریاض و ذخائر، احمد بن حنبل (امام حنبله)، گنجی شافعی در کفایه، سبط بن جوزی در تذکره، سیوطی در جامع کبیر و جمعی دیگر از دانشمندان و محققین (در کتاب‌های خود این حدیث را متذکر شده‌اند).

نگاه: حلیه‌الاولیاء ج ۳، ص ۲۰۱؛ مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۶۲؛ ذخائرالعقبی، ص ۵۶؛ فراندالسمطین، ج ۱، ص ۳۸۲، ۳۸۳، ح ۳۱۴؛ نظم درالسمطین، ص ۹۸؛ ریاض النضره، ج ۳، ص ۱۰۵؛ کفایه‌الطالب، ص ۹۳، ۹۴؛ تاریخ مدینه دمشق (ط دارالفکر)، ج ۱۴، ص ۱۶۶، ۱۶۷؛ تاریخ ابن عساکر (ترجمه الحسین ع) ص ۱۲۰؛ کنز العمال ج ۱۱، ص ۶۲۵، ح ۳۳۰۴۴؛ منتخب کنز العمال ج ۵، ص ۳۵. محب‌الدین طبری قبل از نقل این روایت می‌گوید: «رسول خدا کنیه ی «ابوالریحانین» را (هم) بر علی گذارده بود». (الریاض النضره ج ۳، ص ۱۰۴).



این نشان از نقش بی‌بدیل حضرت زهراء سلام الله عليها در اسلام ناب و نوپا برای احقاق حق و مبارزه با انحراف و ظلم بود.

این توضیح را بدهم، امیرالمومنین تنها به خدا تکیه داشت. اما در عمل جمعی، ناچار باید با دیگران همکاری کرد، چنان مقام امیرالمومنین سلام الله علیه در عمل سیاسی و اجتماعی بالاست که تنها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم و صدیقه طاهره سلام الله عليها توان دارند که تکیه‌گاه ایشان باشند.

## دوم: نفاق در اسلام

یکی از معضلات جامعه اسلامی ظهور نفاق در آن است. نفاق به طور کلی در جهان اسلام به صورت داشت و هم‌اکنون هم چنین است.

نخست: نفاق از روی طمع که از مکه و اوایل بعثت شکل گرفت.

دوم: نفاق از روی ترس که در مدینه شکل گرفت.

نفاق دوم خیلی خطرناک نیست و خود را زود لو می‌دهد و مسلمانان می‌توانند آنان را به راحتی بشناسند، اما نفاق اولی بسیار پیچیده عمل می‌کند و چنان آن خیلی سخت است. قرآن درباره این نفاق می‌فرماید:

«وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ» [توبه:

۱۰۱]

«و از میان بادیه‌نشینان پیرامون شما، گروهی منافقند و از اهل مدینه نیز عده‌ای بر نفاق خو گرفته‌اند،

تو آنان را نمی‌شناسی، (ولی) ما آن‌ها را می‌شناسیم!»

قرآن از دو نوع نفاق سخن می‌گوید: نفاق ساده بیابان‌نشینان که نفاق آنان روشن است و نفاق پیچیده در مدینه یعنی مرکز اسلام و حکومت اسلامی که نفاق آنان پنهان است. قرآن کریم از گروهی منافق سخن می‌گوید که در کنار مردم زندگی می‌کنند و مردم با آنان خو گرفته‌اند: «مَرَدُوا» به گونه‌ای که مردم تصور می‌کنند که آنان از خودشان و مسلمان هستند، اما در واقع منافق هستند. و این‌ها بسیار خطرناک هستند. زیرا نفاق آنان با نفاق عادی بادیه‌نشینان که از ترس مسلمان شده‌اند تفاوت دارد. زیرا در مرکز حکومت اسلامی حضوری پررنگ دارند و به اسلام اسلام و مسلمانان، منشأ فسادهای بسیار می‌شوند. این چه نفاقی است؟ نفاقی که در پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بروز و ظهور پیدا کرد. این نفاق از روی طمع به قدرت بود. وقتی سعد بن عبدالله قمی اشعری در مناظره با عالم ناصبی درمی‌ماند که اسلام آن دو نفر آیا از روی رغبت بود یا اجبار؟ امام زمان سلام الله علیه پاسخ می‌دهند:

«لَمْ لَمْ تَقُلْ أَسْلَمًا طَمَعًا؟!»<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup> ز سعدبن عبدالله قمی اشعری سؤال شده بود که اسلام آن دو نفر، طوعاً و رغبتاً بوده است یا کُرهاً و اجباراً؟ ایشان درمانده بود که چه بگوید؛ زیرا فکر کرده بود اگر بگوید اختیارات اسلام آوردند، در آن صورت آن دو منافق نخواهند بود؛ و اگر بگوید از روی اجبار بود، پاسخ خواهند داد که در آن زمان زور و اجبار در میان نبود؛ لذا این مسئله را توسط احمدبن اسحاق برای

«چرا نگفتی از روی طمع [به ریاست و خلافت] اسلام آوردند؟!»

این همان کاری بود که صدیقۀ طاهره در مدت کوتاه پس از شهادت پیامبر خدا صلی الله انجم دادند و نفاق پنهانی که در سقیفه بود، و اسلام سقیفه‌ای را جایگزین اسلام ناب کرد، افشا کردند. هم در خطبۀ فدکیه و هم در مواقع مختلف که در تاریخ ضبط است تا جایی که راهی جز شهادت حضرت ندیدند و این نشان می‌دهد که زبان و مبارزه لسانی با جریان ستم‌کار چقدر مهم است.

### دو نوع مبارزه: فعال و منفی

حضرت زهراء سلام الله علیه دو نوع مبارزه با این جریان بسیار خطرناک داشتند، جریانی که بنا داشت:

هم قران را به نفع خود تحریف کند و از حجیت بیاندازد، چنانچه درباره تورات و انجیل شده بود.

هم سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به فراموشی بسپارد

و هم امیرالمومنین سلام الله علیه را از میان بردارد و به شهادت برساند

تا با خیال راحت حکومت و قدرت را به دست بگیرد و جاهلیت را به نام اسلام احیاء کنند. و حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه به مصالحی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده بودند، مأمور به سکوت بود. زیرا اگر می‌جنگید، یا پیروز می‌شود و قدرت را با قهر و غلبه گرفته بود که این خلاف اندیشۀ اسلامی است، یا به شهادت می‌رسید که آنان به راحتی به هدف خودشان رسیده بودند و عوامل زیادی هم برای ترور حضرت داشتند.

بنابراین محور مبارزه با ستم و ناحقی منافقانه به اسم اسلام، با حضرت زهرا سلام الله علیها بود که منجر به شهادت ایشان شد، زیرا همه مسلمانان مقام معنوی آن حضرت را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شناختند و می‌دانستند که اگر آن حضرت از کاری ناراضی باشد، نشان از نارضایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارد و آن کار یقیناً مورد رضای خدا هم نخواهد بود. و حضرت زهراء سلام الله علیها عافیت و خوشی را نپسندیدند و با همه قوا وارد میدان مبارزه با ستم شدند و با فداکردن جان خودشان هم جان امیرالمومنین علیه السلام حفظ شد تا اسلام تداوم یابد و هم قران از شر تحریف آنان محفوظ ماند تا مسلمانان از این منبع لایزال و بی‌بدیل الهی محروم نشوند.

حضرت زهراء سلام الله علیها دو نوع مبارزه داشت:

### اول مبارزه فعال

---

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مطرح نمود و آن حضرت ایشان را به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، حواله داد و حضرت در پاسخ فرمود: «لَمْ لَمْ تَقُلْ أَسْلَمًا طَمَعًا؟!؛ چرا نگفتی از روی طمع [به ریاست و خلافت] اسلام آوردند؟!؛<sup>۱</sup> یعنی نه این و نه آن، بلکه سومی است.

در محضر بهجت، ج ۱، ص ۱۷۸

احتجاجات متعددی حضرت که اوج آن خطبه فدکیه است، ترسیم حق و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و باطل و ستم اسلام سقیفه‌ای؛ اعتراض‌ها در هر مجلس و محفلی، توبیخ و سرزنش مردم مدینه به دلیل پیمان‌کشی غدیر، افشاگری چهره حقیقی سقیفه؛ ترسیم عاقبت سخت مردم در غضب خلافت و کنارگذاشتن نظام امام؛ دعوت حضوری مردم و درخواست بیعت با امیرالمومنین سلام الله علیه که در سه شب متوالی رخ داد، نمونه‌های حق‌طلبی فعالانه و ستم‌ستیزی فعالانه حضرت بود.

اما اوج دیگر این مبارزه فعالانه، درگیری و جنگ تن به تن در کوچه بنی‌هاشم و در حمله به خانه امیرالمومنین سلام الله و مقاومت جانانه حضرت در پشت در و در کوچه و آن‌گاه حضور در مسجد و کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

### **دوم: مبارزه منفی**

وصیت حضرت زهراء سلام الله علیها اوج این مبارزه بود که مرا شب غسل کن و شب کفن کن و شب دفن کن. اما تنها این نبود، این که اجازه آن دو و بلکه مردم در تشیع جنازه‌اش شرکت کنند، و بر جنازه ایشان نماز بخوانند؛ این که قبر حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها تاکنون مخفی و پنهان است، این که جواب آن دو را نداد و به آنان کمال بی‌اعتنایی کرد، این که حکومت آنان را به رسمیت نشناخت، این که به صراحت آنان را نفرین کرد، نمونه‌هایی از مبارزات منفی آن حضرت در مقابل ستم آنان است که خیلی هم برای‌شان گران تمام شد.



## چکیده سخنرانی شب سوم:

### مبارزه با رژیم جعلی اسرائیل مصداق مبارزه با ستم

حق طلبی و عدالت خواهی و طلب اصلاح در امور دین و جامعه، و در مقابل آن مبارزه با باطل و ستم و فساد در ذات اسلام است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرچم آن را بلند کرد و چهارده معصوم علیهم السلام به آن قیام کردند، و اصولاً قیام امام زمان سلام الله علیه برای برپایی عدالت و قسط یعنی سریان حق مطلق در جهان بشریت است تا هیچ ستم و فسادى در آن نباشد.

اما ما در جهانی زندگی می کنیم که پر از ظلم و فساد و تباهی است و هیچ خبری از عدالت در آن نیست، و ما موظف هستیم زمینه ظهور - یعنی ظهور عدالت و حق مطلق - را آماده کنیم. نمونه عینی آن رژیم صهیونیستی است که شر مطلق و فساد و ستم مطلق است و وظیفه و تکلیف همه ما بلکه هرکس بویی از آزادگی برده است، مبارزه با آن تا نابودی این غده سرطانی است.

اگر ما پیرو حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها هستیم، این درسی است که ما از آن حضرت گرفتیم که برای پیاده سازی حق و عدالت و مبارزه با ستم و فساد باید تا پای جان قیام کرد.

بنابراین بحث این جلسه را به شر مطلق یعنی رژیم صهیونیستی اختصاص می دهیم، زیرا این رژیم مظهر همه فسادها و ستمها در جهان است و با قدرتی که در جریان استکباری و صهیونیستی بین المللی گرفته است، هر خوبی و خیر و حق و عدالتی را نابود می کند و اجازه امکان هیچ اصلاحی در وضع بشر نمی دهد.

اما با انقلاب اسلامی و بیداری که این انقلاب در سرزمین های اسلامی ایجاد کرد، و مردم فلسطین را هم بیدار و آگاه کرد، وضعیت متفاوت شده و این رژیم جعلی قدرت پیشین را ندارد و بارها هیمه آن شکسته شده است و الان هم الحمدلله طوفان الاقصی شکستی قطعی برای آن ایجاد کرده که اگر ما در صحنه باشیم، به فضل و یاری و نصرت الهی بزودی شاهد خواهیم بود که اسرائیل از صحنه روزگار محو خواهد شد. اما دو مطلب را به عنوان مقدمه بحث عرض کنم:

اول: اسرائیل رژیم جعلی و شر مطلق است. نمونه آن جنایات اخیر آن در غزه است. جنایت رژیم صهیونیستی در حمله به فلسطینیان بی پناه و بیمارستانها و مدارس و مساجد، چنان بسیار و ددمنشانه است که هر کسی که کمی بویی از انسانیت برده است، از توحش آنها به فغان است. دوم: مقابل آن مظلومان فلسطینی به ویژه در غزه هستند که صبورانه دارند با امکانات کم مبارزه می کنند و رمز پیروزی آنان صبر است:

«ان الله مع الصابرين»

اما این جنایات عجیب چند پیام مهم دارد:

اول: صهیونیست‌ها به چنان ضعف شدیدی افتاده‌اند و خطر را بیخ گوش خودشان احساس می‌کنند که راهی جز بدترین جنایات ندارند، زیرا همه راه‌ها را بر خود بسته می‌دانند. بنابراین جنایات حاضر نشانه قوت آن نیست، بلکه نشانه ضعف مفرط آنان است. آنان به نهایت ضعف و فتور رسیده‌اند.

این اصل کلی را خاطره داشته باشید؛ اگر حکومتی قدرت و اقتدار داشته باشد، هرگز دست به جنایت نمی‌زند و هرچه خشونت و جنایت بیشتر باشد، نشان از ضعف آن رژیم دارد. و جنایت آن هم با این ابعاد نشانه ضعف مفرط و شدید رژیم جعلی اسرائیل است.

دوم: با مراجعه به متون دینی مشخص می‌شود که این رژیم به سرایشی سقوط رسیده و تقدیر آن نابودی است، یعنی معنای این جنایات چیزی جز مرگ این رژیم نیست. و این سنت الهی است. زیرا خبثت و جنایت را به حد نهایی رسانده است:

عالم با سنن الهی اداره می‌شود و راه گریز از آن‌ها نیست. قرآن کریم درباره مستکبران و تلاش‌ها و نیرنگ‌های آنان می‌فرماید:

«اَسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» [فاطر: ۴۳]

«نفرت آنان از حق» به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ بدشان بود، و نیرنگ بد جز اهلش را فرا نگیرد، پس آیا آنان جز سنت (خداوند را در مورد قلع و قمع) پیشینیان انتظار دارند؟ با آن‌که برای سنت و قانون الهی هرگز جایگزینی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نخواهی یافت.» قرآن کریم سرچشمه استکبار و سنگ‌دلی آنان را بیان می‌فرماید: «وَمَكْرَ السَّيِّئِ»؛ یعنی حيله و نیرنگ بد؛ آن‌گاه نتیجه استکبار و حيله‌گری آنان را بیان می‌کند: «لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» این نیرنگ به خودشان برمی‌گردد و این سنت الهی است که خداوند چند صباحی مهلت می‌دهد اما هرچه بیشتر تلاش کنند، بیشتر در منجلابی که خودشان به دست خودشان درست کرده‌اند، فرو خواهند رفت.

در مرحله سوم قانون کلی و عمومی و سنت ثابت الهی را بیان می‌کند که در همه ملت‌ها جریان دارد و آن این‌که کیفر استکبار و حيله‌گری و نیرنگ به خود آنان باز می‌گردد و آنان را نابود می‌کند، پس آنان از سنت الهی راه فراری ندارند. «فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»

نتیجه این‌که تزویر و فریب و مکر آنان بی‌فایده است و سرانجام همه این بدی‌ها و خبثت‌ها به خودشان باز می‌گردد.

نتیجه دیگر این‌که حقیقت اسلام از دل مقاومت مسلمانان سرباز خواهد کرد. این‌جا تکلیف ما مشخص می‌شود. ما موظف هستیم اولاً قوی باشیم و از هر زمانی مستحکم‌تر در دین خدا باشیم، ثانیاً هرگونه سستی و تنبلی و ترس و بی‌حالی و ناامیدی و ترس و انفعال را از خود دور کنیم، ثالثاً به خدا پناه ببریم و با دعا و

تضرع از خدا سبحان تقاضای فرج و نابودی دشمنان شرور را داشته باشیم و رابعاً دفاع زبانی و عملی چون مالی و اگر ضرورت داشت تدارکاتی از مسلمانان مظلوم فلسطین داشته باشیم. و اسیر تبلیغات جبهه استکبار نشویم، چنانچه حضرت زهراء سلام الله علیها چنین کردند و هرگز تسلیم و اسیر تبلیغات دستگاه اسلام سقیفهای نشدند.

سنت الهی آن است که هرچه دشمن مایه قوت و قدرت خودش می داند، مایه ضعف و سقوط و نابودی آن خواهد شد. اسرائیل شرور بر سه قدرت تکیه دارد:

یک قدرت نظامی خود؛

دوم قدرت تبلیغاتی جریان جهانی صهیونیست و

سوم: قدرت مالی صهیونیست جهانی.

همین سه علیه اسرائیل استفاده می شود.

فتور نظامی آن کاملاً معلوم است و بزودی فتور اقتصادی و تبلیغاتی آن هم رخ می دهد و جهان مجبور می شود که این رژیم را تنها بگذارد. الان بخشی از مردم جهان بیدار شده اند، هر روز تظاهراتی در سرزمین های اروپایی و امریکا شاهد هستیم، و بزودی جریان استکبار هم مجبور است که این فرزند نامشروع خود را به دور بیندازد، زیرا در غیر این صورت خودش نابود می شود. و این قوم لجوج و عنود مجدد در جهان سرگردان و بدون پشتیبان خواند شد. این معنای مکر الهی است.

«أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» [اعراف: ۹۹]

عظمت انقلاب اسلامی را در این وقایع ببینیم:

امام و همه کسانی که حقیقت را می دانستند، انقلاب اسلامی را مبدأ تحولات آینده جهان دیدند که جهان استکبار و ستم پیشه در تقابل با اسلام اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم قرار گرفته و اگر ما مستحکم بایستیم ان شاء الله پیروز میدان اسلام است و همین موجب زمینه سازی ظهور خواهد شد. حتی اندیشمندان دنیای غرب نیز به آن اذعان کردند.

اوایل پس از انقلاب کیسینجر (وزیر امور خارجه وقت امریکا) گفت: دیگر دعوی ما با شوروی نیست و مسئله ما اسلام است.

منتها شرط آن این است که ما پایه اسلام و انقلاب و نظام اسلامی محکم بایستیم و عقب ننشینیم.

الان مسأله اصلی دنیا اسلام؛ فلسطین است، فلسطین آزمونی بزرگ برای مسلمانان است. ما باید پای قدس بایستیم و این درس ما از فاطمیه است:

اول: با قلب و دل خود با حق و فلسطینیان باشیم و بدانیم این فقط نبرد نابرابر رژیمی تا دندان مسلح و مردمی مظلوم نیست، بلکه نبرد حق و باطل است و ما باید در جبهه حق بایستیم. ما بنای مان در انقلاب اسلامی آن است که نه ظلم بکنیم و نه ظلم بپذیریم و همواره طرفدار و یاور مظلوم و دشمن و خصم ظالم باشیم.

دوم: با دعا و تضرع در پیشگاه حق تعالی؛ از خدا متعال پیروزی اسلام بر کفر جهانی را بخواهیم. زیاد به امام زمان سلام الله علیه التجاء کنیم. دعای فرج را زیاد - از صمیم قلب - بخوانیم که فرج ما در فرج امام زمان سلام الله علیه و نصرت و یاری آن حضرت است.

سوم: با زبان و قلم و شعرو نقاشی و طراحی از حق دفاع کنیم و ظلم رژیم صهیونیستی را افشا کنیم. نگوییم کار ما چه فایده دارد؟ شک نکنید در نظام الهی حساب می‌شود. یادم است خیلی جوان بودم، زمان انقلاب و درگیری با رژیم منحط پهلوی و هر روز به تظاهرات خیابانی می‌رفتیم. یک عده به ما می‌گفتند: شما بچه هستید و چه کاری می‌توانید بکنید؟ خودتان را به کشتن می‌دهید و خانواده خودتان را داغدار می‌کنید و این رژیم هم می‌ماند. ما تجربه ۲۸ مرداد و ۱۵ خرداد را داریم. ما به این سخنان بی‌اعتنا بودید و کار خودمان را می‌کردیم. فردای ۲۲ بهمن به یکی از آنان گفتم: دیدیم که کارهای کوچک ما چه نتیجه بزرگی داشت. قرآن می‌فرماید:

«وَمَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» [یوسف: ] ما و شما وظیفه خودمان را انجام بدهیم، چه کار به نتیجه داریم؟ کار دست خداست و ما وظیفه خودمان را عمل کنیم و او ما را یاری می‌کند و هیچ قدرتی برتر از قدرت خدا نیست و پیروزی با خدا و یاران دین الهی است.

فلسطینیان - الحمدلله - با تمام قوا به میدان آمدند، صبر آنان زبانزد همه شده است. و من و شما هم در حد توان خود در میدان باشیم، هم دعا کنیم و هم با هر وسیله حق را به گوش دیگران برسانیم و هم اگر لازم شد، کمک مالی بکنیم و در صورت لزوم برای نبردی رودرور هم آماده باشیم:

اولاً فتح فلسطین و قدس و ثانیاً فتح فرهنگی و عقیدتی اروپا و آمریکا از حیث ظلم‌ستیزی و حرکت جهانی به سوی ظهور دور نیست. ان شاء الله تعالی.

ما باید بدانیم در بطن سختی‌ها آسایش و راحتی و پیروزی است. و انفعال، ناامیدی، ترس، تنبلی و کسالت و بی‌اعتنایی نباید به خود راه ندهیم.





## چکیده سخنرانی ظهر برای جلسه روز شهادت

### زیست مومنانه فاطمی

حضرت فاطمه الزهراء (سلام الله علیها):

«مَنْ أَسْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»

هرکس عبادت خالصانه خود را به درگاه خدا فرا برد، خداوند عزوجل بهترین کاری را که به صلاح اوست برایش فرو فرستد. [عده الداعی : ص ۲۱۸]

امروز روز فاطمه زهراء سلام الله علیهاست، بلکه روز امیرالمومنین سلام الله علیه است. حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها برترین زن جهان است، سیده النساء العالمین لقب آن حضرت است. امیرالمومنین سلام الله علیه هم برترین مرد جهان است. از سوی دیگر آن دو بزرگوار پدر و مادر ما هستند، اگر جز مومنان باشیم. یعنی یک پیوند معنوی میان ما و آن دو وجود مقدس برقرار است. اما اتصال و پیوند را باید ایجاد کنیم، از آن طرف مانعی نیست، ما خود مانع هستیم: «تو خود حجاب خودی حافظ؛ از میان برخیز»

اما ما چه بکنیم که به آن دو بزرگوار متصل شویم؟ از بنده پرسید، در یک کلام عرض می‌کنم: «زیست مومنانه»

معنای زیست مومنانه چیست؟ فقط یک گام برداشتن، نه بیشتر. آن چیست؟ پاکداشتن روی خود! این منیت و انانیت مانع راه است تا جوان هستید حرکت کنید. راهش چیست؟ سه محور است که باید دنبال آن‌ها برویم. امام بزرگوار ما روی این سه محور خیلی تأکید دارند:

اول: معرفت و شناخت است، باید حق را بشناسیم، قرآن و اسلام را بشناسیم، راه و مسیر حرکت خود را بشناسیم. این علم و شناخت خیلی مهم است. بدون شناخت راه به جایی نمی‌بریم. دوم: ایمان و باور قلبی است، ایمانی که در قلب است و با محبت و عشق توأم است که به آن ولایت می‌گوییم. باید اهل ولایت شویم و دل‌مان را به خدا و اولیاء الهی بسپاریم و حرکت ما حرکت حبی باشد. این ایمان و عشق از معرفت و شناخت برمی‌خیزد.

سوم: عمل صالح و عمل خالصانه است که در روایت شریف از آن عبادت خالصانه تعبیر شد.

«مَنْ أَسْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»

عمل و عبادت خالصانه دو نوع است: فردی و جمعی

عمل و عبادت خالصانه ما هم در وجهه فردی است، به عبادت توجه کنیم، اهل نماز اول وقت باشیم، تلاش کنیم، گناه نکنیم، تلاش کنیم، اهل نماز شب باشیم، ولو یک ربع پیش از اذان صبح بیدار شویم. اهل روزه باشیم، به فقراء کمک کنیم.

دوم عمل و عبادت ما جمعی باشد، یعنی برای تحقق و برپایی دین حق قیام کنیم، قیام الله داشته باشیم تا دین خدا و حق و عدالت اولاً در جامعه و بعد در جهان تحقق یابد.

«قل انما أعظمکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی».

«قوموا لله قانتین»

قیام برای خدا از روی خشوع و خضوع و با اخلاص است و گرنه قیام برای نفس تو خودمان است و فایده ندارد.

اما مسیر قیام لله، مسیری است که صدیقه طاهره سلام الله علیها به ما یاد داشته و ما باید آن را برویم تا در دنیا و آخرت همراه آن بزرگوار باشیم و دعای ایشان شامل حال ما شود.

یک روایت بخوانم. اسماء بنت عمیس از روزهای آخر عمر حضرت سخن می گوید:

○○○

قالت أسماء: فرأيتها رافعة يديها إلى السماء، و هي تقول: اللهم إني أسألك بمحمد المصطفى و شوقه إليّ، و ببعلي علي المرتضى و حزنه عليّ و بالحسن المجتبي و بكائه عليّ، و بالحسين الشهيد و كآبته عليّ، و ببنتي الفاطميات و تحسرن عليّ، إنك ترحم و تغفر للعصاة من أمة محمد و تدخلهم الجنة، إنك أكرم المسؤولين و أرحم الراحمين.<sup>۳</sup>

چه روایت پر معنایی است؟ شوق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهراء سلام الله علیها؛ حزن و اندوه امیرالمومنین سلام الله علیه برای بانوی دو عالم، گریه مدام امام حسن مجتبی سلام الله علیه برای مادر بزرگوار خود، اضطراب حضرت سید الشهداء سلام الله علیه برای مادر، حسرت و غصه های زینب کبری و ام کلثوم علیهما السلام برای مادر. معلوم است که آن ذوات مقدس با این صفات به مقامات رسیده بودند که به حق این مقامات خدا تعالی را سوگند می دهد و اگر ما هم بخواهیم به مقامات معنوی برسیم، راهش معلوم است، پیوند بخوریم به خانم دو عالم و مادرمان.

○○○

لحظات پایانی عمر حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها ست. یکی از سخت ترین روز و لحظه برای خاندان نبوت است.

روی عن عبدالله بن الحسن، عن أبيه، عن جده عليه السلام؛ روایی امام حسن مجتبی سلام الله علیه است که در صحنه حضور داشته. در چنین روزی است، چه روز سختی است؟

<sup>۳</sup> عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال ، جلد ۱۱ ، صفحه ۸۹۱

أن فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله لما احتضرت نظرت نظراً حاداً؛ ثم قالت:  
السلام على جبرائيل، السلام على رسول الله، اللهم مع رسولك، اللهم في رضوانك وجوارك ودارك  
دار السلام

○○○

حالا امشب چه خبر است؟ دفن غریبانه! باید همه ما تا زنده هستیم بسوزیم.

فی حدیث غیرنا

ان أمير المؤمنين لما أنزلها في القبر وسواه عليها سألها الملكان: من ربك؟ قالت: الله ربي، قالوا: ومن  
نبيك؟ قالت: أبي محمد، قالوا: ومن إمامك؟ قالت: هذا القائم على قبري على.